

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

سه شنبه ۰۳ مارچ ۲۰۲۰

مرجان کمال

برگشت به یادداشت های پراکنده

نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری

قسمت چهاردهم

بیا تحریرکن غم های دلم را
ندارم طاقت این کوه غم را

شبی از سوز دل گفتم قلم را
قلم گفتا برو بیچاره مادر



یک اقدام مغایر قانون اساسی:

در سال 2004 میلادی مباحثات و مذاکرات بین مخالفین که زیادتیر مصروف درگیری بازی های قومی و نژادی بوده و می باشند در جریان بود و سبب تفرقه در بین گروه های سیاسی افغان گردیده بود.

در حقیقت طرفداران یک سیستم پارلمانی و فدرالی، اکثراً اعضای اقلیت های قومی هستند که در داخل اتحاد شمال با هم پیوسته اند. در حالی که مدافعین یک اقتدار ریاستی قوی پشتون ها و اصلاح طلبان می باشند. « قرار تحقیق برنت روبین (Barnett R. Rubin)، اکثریت آن ها پشتون های هستند که در بیرون از کشور بود و باش داشتند و دارای دیپلوم از ممالک خارجی می باشند و دارای لیاقت و کفایت تخصصی بوده که این لیاقت را از داخل مؤسسات بین المللی به دست آورده اند».

مثال برجسته این دسته بازیگران صحنه سیاسی افغان، اشرف غنی بود، که دارای یک دیپلوم از پوهنتون امریکایی بیروت و مامور سابقه بانک جهانی می باشد. اشرف غنی بین سال های 2004 - 2002 میلادی در کابینه دولت موقت و دولت عبوری وزیر مالیه، بعداً بین سال های 2006 - 2004 میلادی رئیس پوهنتون کابل بود. در سال 2006 میلادی از کرسی دوری اختیار نمود و از وطن خارج شد و در سال 2009 میلادی دوباره به کشور باز گشت. بعداً برای مدت کوتاهی ریاست یک کمیسیون را که وظیفه آن غیر مسلح ساختن داوطلبانه گروپ های وابسته به شورشیان علیه دولت بود، به عهده داشت.

اشرف غنی چندین مراتبه از طرز حکومت داری و انتخاب سیاسی کرسی انتقاد نمود و این انتقادات زیادتز در زمان کاندید بودنش به ریاست جمهوری در سال 2009 میلادی تشدید یافت. وی انتقاداتش زیادتز متوجه مقرر نمودن اشخاصی بود که اکثراً از رهبران و قومندان های جنگی انتخاب شده بودند که مثال برجسته آن عبدالرشید دوستم بود.

اشرف غنی در زمان انتخابات ریاست جمهوری 2014 میلادی، خودش نیز دوستم را به حیث معاون خود انتخاب نمود.

در هنگام انتخابات 2014 میلادی اشرف غنی و عبدالله عبدالله در دو جبهه یکی علیه دیگر واقع بودند، که اولی طرفدار سیستم ریاستی مرکزی قوی بود و دومی که عضو برجسته اتحاد شمال و نزدیک احمد شاه مسعود بود، و

زمانی که طالب ها در سال 1996 میلادی قدرت را به دست آوردند، عبدالله عبدالله به حیث وزیر خارجه دولت جلالی وطن مقرر شد.

بعد از سال 2002 میلادی تا به سال 2005 میلادی نیز به حیث وزیر امور خارجه ایفای وظیفه نمود. انتقاد دیگری که علیه موافقه حکومت وحدت ملی موجود است، در واقع انتخاب عبدالله عبدالله به حیث رئیس اجرائیوی می باشد که به موافقه و تقاهم با اشرف غنی صورت نگرفت، بلکه بالایش تحمیل گردید، و طرح ریزی این موافقه در اثر مداخله و اشنگتن به دست آمد.

فلهذا این موافقه نه تنها ضد قانون اساسی بود، بلکه در عین زمان نتیجه مداخله بیرونی نیز می باشد. در حقیقت یک اندازه طنز آمیز است زیرا تمام سیستم سیاسی که بعد از موافقه بن روی کار آمده است، نتیجه مداخله سیاسی نظامی بیرونی، مخصوصاً واشنگتن می باشد. اما چیزی که قابل انتقاد است عبارت است از افزودن انتقادات با یک عمل ضد قانونی در داخل تشکیلات دولت و به وجود آوردن یک دولت غیر قانونی می باشد، و وخامت آن در آسیب رساندن و لطمه وارد نمودن به حاکمیت ملی می باشد.

فلهذا طوری که قبلاً ملاحظه نمودیم که این موافقه نتیجه تقریباً دو ماه بحران سیاسی بود، زیرا که هر دو کاندید در مورد نتایج انتخابات با هم تفاهم نداشتند. از طرف دیگر این بحران می توانست منجر به سقوط و زوال رژیم گردد، زیرا در این دو ماه یک خالیگاه بزرگ در قوای اجرائی پدیدار گردید.

قبل از موافقه روی کار آمدن حکومت وحدت ملی، در مورد تقلبات زیاد حرف زده می شد و وسعت این تخلفات به اندازه بزرگ بود که کمیسیون های انتخاباتی و هم کمیسیون های که مسئولیت کنترل انتخابات را به عهده داشتند موفق نشدند تا وظیفه خود را به درستی اجرا نمایند.

فلهذا غیر قانونی بودن را نه تنها در نتیجه موافقه بین دو کاندید که معلومدار به میانجی گری واشنگتن صورت گرفت، می یابیم، بلکه قبل از این موافقه فساد گسترده نیز غیر قانونی بودن انتخابات را نشان می داد.

عین بحران در سال 2009 میلادی در هنگام انتخابات ریاست جمهوری که حامد کرزی و عبدالله عبدالله در مقابل هم قرار داشتند، نیز به وجود آمده بود، که در آن زمان نیز در اثر میانجی گری بیرونی ها حل گردید.

بحران انتخاباتی که وخامت آن سبب مشکلات در انتخابات ریاست جمهوری گردید دلیل آن تضاد ها بین سیستم های سیاسی می باشد، که بازیگران ساحه سیاسی، از سوء استفاده نمودن اقتدار شان در زندگی روزمره از سال 2002 میلادی به این سو در تمام ادارات دولتی، که قوای امنیتی و یا خدمات عامه باشد، دیده می شود.

تضاد های موجود در رژیم سیاسی و طرز حکومت داری، سبب غیر مشروع بودن تمام گروه های سیاسی گردیده، که نتیجه طرز العمل آن ها، همانا تخطی از قانون است.

ادامه دارد